

# نقد مصاحبه اعلیحضرت در واشنگتن

## استودیو ۲۴ نیوز

### قلب شهادت

(قسمت اول)

امیر فیض- حقوقدان

مصاحبه کننده این گفتگو، اعلیحضرت را چنین معرفی کرد >رضاپهلوی از زمان انقلاب در تبعید زندگی میکند<، تعریف مزبور نادرست است؛ رضا پهلوی ولیعهد ایران از قبل از شورش ۵۷ میهمان دولت آمریکا برای آموزش خلبانی بوده اند و از آن تاریخ متاسفانه این میهمان تبدیل به گروگان آمریکا گردید و بموجب تصمیم وزارت خارجه آمریکا بتاريخ ۱۱ مرداد ۱۳۵۸، ولیعهد ایران با تحمیل تحریم و قطع حقوق سیاسی از سوی وزارت خارجه آمریکا مواجه میگردد و این وضع خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و بی سابقه درجهان ۴۰ سال است دوام دارد.

#### تبعید

تبعید به معنای آن است که کسی را از وطنش بیرون کنند و این عمل یا بوسیله حکم دادگاه و یا بتصمیم حکومت صورت گیرد؛ ولیعهد ایران شامل هیچیک از مراتب بالا نبوده و حتی بوسیله شورشیان و رهبر آنان نیز مورد مواخذه و احتمالاً روبروشدن با تبعید نبوده است. ولیعهد با تصمیم شاهنشاه و موافقت خودشان، به آمریکا اعزام میگردد، دخالت آمریکا در شورش ۵۷ و اقدام آن کشور علیه شاهنشاه ایران ولیعهد میهمان در آمریکا را به یکی از اسباب های فشار به شاهنشاه به گروگان آمریکا تبدیل ساخت و این گروگان گیری بی سر و صدا شامل سلب آزادی های سیاسی و فعالیت های آزاده که از حقوق قانونی ایشان است نیز گردید.

**توضیح -** در سال شورش ۵۷ دولت آمریکا ۲۰۰ سهمیه آموزش خلبان هواپیمای جنگی برای کشورهای خارجی پیش بینی کرده بود که از آن ۸۱ سهمیه متعلق به ایران شاهنشاهی میگردد؛ اعزام و الاحضرت ولیعهد به آمریکا برای تحصیل فن خلبانی به اعتبار آن سهمیه بوده است و در کنار و الاحضرت ۸۰ خلبان ایرانی نیز به آمریکا اعزام شده بودند. (از یادداشت های شادروان علم)

#### انقلاب

مصاحبه کننده از شورش ۵۷ بنام **انقلاب** یاد کرده و آنرا از اسباب تبعید ولیعهد دانسته است. درست است که شورش ۵۷ در فرهنگ سیاسی بین المللی **انقلاب** خوانده شده است، ولی عدم اعتراض مصاحبه شونده تائیدی است که کل و جزء اعتراضات مصاحبه شونده را به جمهوری اسلامی ناموفق و باطل میسازد **زیرا:**

همه دستاوردهای شورش ۵۷ دستاوردهای انقلاب شناخته میشود و دستاوردهای انقلاب وقتی بصورت قانون اساسی درآمد جامعه مشروعیت را بتن کرده است و اعتراض به آن درمقابل پوشش مشروعیت ملی بی اعتبار است.

آری یادم هست که اعلیحضرت درگذشته ها از شورش ۵۷ بنام **انقلاب** یاد میفرمودند ولی اکنون که جمهوری اسلامی را یک **فرقه تبهکار** میدانند، لازمه این برداشت درست درنخستین گام، طرد عنوان انقلاب از شورش ۵۷ است، و همانطور که در این مصاحبه میفرمایند <من هرگز به این بازی نام انتخاب نگذاشته و نمیگذارم> این تصمیم راسخ و آموزنده شامل آنهم میشود که شورش یک **فرقه تبهکار** **انقلاب** نامیده نشود.

اعلیحضرت که در مصاحبه مزبور بدرستی موقعیت جمهوری اسلامی را از همه باب و حتی انتخابات تشریح میفرمایند و عنوان درست و با اهمیت تاریخی **فرقه تبهکار** را بر آن گذارده اند نباید درمقابل عدم توجه و یا احتمالاً سوء استفاده مصاحبه کننده قبای مشروعیت **فرقه تبهکاران** را تائید بفرمایند.

اطمینان دارم اعلیحضرت بایان قاطع و موثری که دارند کوچکترین اشاره و تائیدی سبب میشد و خواهد شد که این نادرستی که مصاحبه کنندگان روی کلمه **انقلاب** خیمه مصاحبه خود را برقرار میکنند خودداری نمایند.

## قلب شهادت

مهمترین موضوعی که در مصاحبه مزبور ایجاد تکلیف توأم با آزردهی میکند قلب شهادت اعلیحضرت نسبت به جنبش سبز است مقصود آنجاست که فرمودند:

«دو اتفاق افتاد؛ نخست اینکه رهبری جنبش به دنبال تداوم در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی بود (۱) و دوم اینکه وقتی مردم به خیابان ها ریختند رهبر جنبش سبز هرگونه حمایتی را از خارج رد کرد (۲)»

مقصود از قلب شهادت در این تحریر، یعنی شکستن اعتبار ناموجهی است که شاهد برای جنبش سبز ایجاد کرده است.

اعلیحضرت در گذشته از باب بی احتیاطی و یا اطلاعات نادرست موقعیت نامناسب و بسیار نادرستی را نسبت به جنبش سبز اتخاذ فرمودند و مدتی هم عملاً از آن موقعیت کنار کشیده شناخته میشدند اکنون درست نیست که با ایجاد این اعتبار واهی، برای آن تحصیل اعتبار و برائت بفرمایند.

(۱) شهادت بر اینکه رهبری جنبش سبز بدنبال تداوم در چارچوب قانون اساسی بود، شهادت مقلوب و نادرست است.

اول اینکه بنابر اعلام موسوی و کروبی؛ <جنبش سبز فاقد رهبری است و نیاز به رهبری هم ندارد، نیاز به سازمان هم ندارد و متشکل و نامحدود و نامعلوم از گروهانی است با عقاید مختلف>.

بنابراین نمیتوان ادعا کرد که رهبری جنبش سبز بدنیال تداوم در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است. جنبشی که رهبر ندارد چگونه رهبری آن دنبال تداوم قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است.

علاوه بر اظهارات آنان که متکی بر اسناد مبارزه و جنبش سبز است، به اعتبار اسناد و شهود، جنبش سبز یک حرکت آشفته و بی برنامه و بی رهبری با تحریک خارجی بود و نمیتوانست رهبری داشته باشد.

\*\*\* سایت بالاترین، تفسیری درباره جنبش سبز ارائه داده است که کاملاً با اسناد سیاسی، نوشته این تحریر همخوانی دارد؛ بالاترین جنبش سبز را به ژله ای تشبیه کرده و نوشته هیچ کجای جنبش سبز با جای دیگر آن نمیخواند و هیچکس نمیداند که جنبش به دنبال چیست، مثل ژله ای است که از هر طرف راه خودش را برمیگزیند، ملغمه ای است از همه افراد جوروا جور. یکی میگوید ما طرفدار امامیم دیگری به خمینی میتازد یکی میگوید ما طرفدار جمهوری اسلامی هستیم و دیگری چیز دیگری میگوید یکی از عاشورا مایه میگذارد دیگری میگوید باز هم از این حرفها عاشورا چیه وووووو..

\*\*\* شاهی که تفسیر سایت بالاترین را گواهی میکند؛ شخص اعلیحضرت است که خودش را سپر دفاعی از جنبش سبز قرار دادند آیا ایشان هم قانون اساسی جمهوری اسلامی را نمایندگی میفرمودند و حتی اعلام فرمودند که شورای خودشان را برای جایگزینی و حمایت از جنبش سبز بوجود آوردند؟! در حالیکه در قطعنامه آن شورا اشاره‌هایی به تبعیت شورا از قانون اساسی جمهوری اسلامی نشده است.

حقیقت امر بر اعلیحضرت هم پوشیده نیست که ایشان هم بدرستی نمیدانستند جنبش سبز چیست و کیست و چه میگوید و کسانی که میدانستند قضیه چیست کارشناسان وزارت خارجه آمریکا و اسرائیل بودند.<sup>۱</sup>

\*\*\* حسن شریعتمداری از گردانندگان جنبش سبز در خارج از کشور در مصاحبه با سایت (چراغ آزادی) ادعای اصلاح طلبان را مبنی بر وفاداری به قانون اساسی را رد کرد و گفت: «امروز دیگر هیچ اتحادی بر مبنای باقی ماندن در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی در بین اپوزیسیون نه ممکن است و نه مفید. و در چنین حالتی صحبت از اینکه اپوزیسیون زیرچتر شورای هماهنگی دور هم گرد آیند و با حمایت شورا به این امید باشند که اصلاحاتی صورت گیرد، سخنی است که کسی را جذب نمیکند».

\*\*\* به گزارش مرکز مطالعات الجزایر شورش های جنبش سبز در همان ماه های اولیه سال ۲۰۱۰ خاموش شد و جنبش سبز در ایران هرگز به حدی نرسید که دولت آمریکا را بر سر دوراهی تصمیم برای اعمال زور یا عدم استفاده از آن قرار دهد.

این گزارش در کنار اسناد و اظهارات افراد وابسته به جنبش سبز نشان میدهد که جنبش، فاقد ریشه اساسی و برنامه و مدیریت و رهبری بوده است تا جایی که نتوانسته حتی مدتی کوتاه خود را نگهدارد.

## (۲) حمایت خارجی

ادعا وشهادت اینکه جنبش سبز نخواست از کمک آمریکا استفاده کند بکلی ناوارد و علاوه براینکه قلب حقیقت است ایجاد اعتبارسیاسی برای کسانی است که طبق اسناد مسلم واقاریرشخصیت های آمریکائی از سالها قبل از عوامل مورد اعتماد آمریکا بوده اند.

❁❁ گویانیوز وابسته به اپوزیسیون اعلام کرده است که جنبش سبز از کمک های علنی آمریکا و غرب بهره مند است و ادعای نکذیب این موضوع یک دروغ آشکاراست.

❁❁ قانون آزادی ایران وبودجه اجرایی آن دولت آمریکا را موظف میکند که به تمام مخالفان فرقه تهبکار جمهوری اسلامی کمک کند وکرده است واین قانون وبودجه آن دوبارهم افزایش یافته است و در این قانون شرطی گذاشته نشده که کمک به مخالفان فرقه تهبکار باید بادرخواست همراه باشد بلکه شرط تشخیص آمریکاست.

سناتورمک کی درمورد حمایت ازجنبش سبز گفته است:

>مانمیتوانیم رفتارجمهوری اسلامی رابامخالفان نادیده بگیریم ماباید از آنها حمایت کنیم دولت آمریکا هرگز با زمانی که درخواست حمایت نشده دخالت نمیکند اما وقتی مخالفان شعارهای خودشان را بزبان انگلیسی میدهند که **اویاما با ما نی یا با اونا این نشانه وعلامتی است که ازما درخواست مداخله دارند.**

## تعارف در عادت ما ایرانیان

❁❁ نهایت سادگی است که ادعای عدم درخواست کمک قابل پذیرش باشد؛ این عادت ما ایرانیان است که به اصطلاح با دست پس میزنیم وبا پا پیش میکشیم، کدام مورد را دیده اید که کسی که از بیگانه پول میگیرد و عملکی بیگانه را انجام میدهد اعلام و اقرارواعتراف به عمل خود نماید.<sup>۲</sup>


یک ضرب المثلی دردست است که میگوید: <منکه نمیخواهم ولی برای هرکه گذاشته اید کم است> این ضرب المثل بیان کننده عادت مرسوم ما ست.

## راز کار در کجاست

مطلبی درسایت روزنت وابسته به جنبش سبزدرخارج ازکشور انتشاریافته که پرده را عقب زده است در آن سایت خطاب به خاتم کلینتون آمده است.

>خاتم کلینتون اخیرا گفته اید که سران جنبش به شما پیام داده اند که مانیازبه کمک نداریم (ماخذ شهادت اعلیحضرت) اما پیام، یک تعارف است شماخودرا دوست مامیدانید وماهم مطمئن هستیم که شما دوست

ما هستید شما نباید به حرف ما گوش کنید، باید اصرار کنید، بعد ما میگوئیم نه، بعد کم، کم قبول میکنیم این یک راز است

 دریافت داشت های سفیرانگلیس از داستانی صحبت شده که چیزی که از آن چه درحافظه ام هست اینجا میآورم.

کاردارسفارت انگلیس لازم میدیده که نامه ای بفارسی ویاخط خوش به صدراعظم (شاید اتابک) بنویسد از منشی اتابک درخواست کمک میکند و منشی اتابک هم سنگ تمام میگذارد؛ کاردار با تشکر از او به منشی خودش دستور میدهد که حق الزحمه نویسنده نامه را بپردازد، ولی هرچه منشی کاردار اصرار میکند منشی اتابک طفره میرود و با تعارف و قابلی ندارد مرا شرمنده نسازید واین افتخاری که شما بمن داده اید قبول حق الزحمه نمیکند، هفته بعد که کاردار با اتابک ملاقات داشته ضمن گفتگو اتابک به کاردار میگوید که فلانی (منشی اتابک) که کارفوق العاده ای برای شما انجام داد فراموش کردید که حق الزحمه او را بدهید.

از کاردار سفارت نقل شده که بسیار متحرگردیده و جریان را مشروحا برای اتابک بیان میکند و اتابک با خنده ای میگوید میدانم این قبیل تعارفات جنبه عادت دارد و معنای واقعی آن این است که بیشتر از آنچه که باید دریافت کنم بمن بدهید شما باید بیش از آن اصرار میکردید تا معامله صورت گیرد.

### علت بیان مطلب از سوی خانم کلنتون

مرکز مطالعات الجزایر علت انتشار این خبر که سران جنبش سبز از آمریکا درخواست حمایت نکرده اند را اینطور بیان کرده است:

«هیچ سندی در دست نیست که ادعای چنین درخواستی درست باشد، ولی بهر حال بر اساس این اصل که حمایت واشنگتن از هرگروهی در ایران موجب پایان حیات آن میشود مقامات آمریکائی علت اعلام این خبر را کمک به تداوم جنبش سبز میدانسه اند.»

### ادله و ادعا

#### جنبش سبز یا اصلاح طلبان

نخست رفع این سوء تفاهم و یا سوء برداشت لازم است که نمیتوان بین جنبش سبز و اصلاح طلبان قائل به تفاوت اساسی شد، اکبرگنجی که روی جنبش سبز خیلی کار کرده و از وابستگان به آن به حساب میآید در مقاله ای که در سایت خود نویسنده منتشر شد نوشت که خاتمی بسختی مخالف عنوان جنبش سبز است و معتقد است که از همان عنوان اصلاح طلبان باید استفاده گردد و اشاره ای دارد که در ۴ ساعت گفتگو که خاتمی هم حضور داشته حتی یکبار نام جنبش سبز مطرح نشده است.

فکر جایگزینی عنوان اصلاحات بجای عنوان جنبش سبز واقعیتی است که کمتر به آن توجه شده است جنبش سبز در واقع از بدنه اصلاح طلبان که خود آنها از بدنه جمهوری اسلامی بودند بوجود آمد و وقتی جنبش زرد کرد، در واقع نام و صورت آن زرد شد؛ آنهم به دلیل آشکار شدن وابستگی آن به آمریکا و اسرائیل و جبهه گیری آشکار علیه مذهب، از گردونه ظاهر خارج شد و به اصل خود که همان اصلاح طلبان بود مجددا وصل شد، و دیدید و دیدیم که اصلاح طلبان که جنبش سبز را هم در برداشت در حمایت آمریکا به اقتدار حکومت و اکثریت مجلس اسلامی و حتی شوراهای شهر رسید، بنابراین، اینکه گفته شود جنبش سبز بکل از بین رفت درست نیست؛ جنبش سبز یک فکرائقلاب رنگی بود که بوسیله سوروس در کشورهای برای افتاد و در برخی موفق و در برخی با توقف مواجه شد و در ایران هم با توقف و ادامه ان بصورت جناح اصلاح طلبان ادامه یافت (سبزی که به بنفش مبدل شد)

ناتمام